

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره ابر بحران آب در ایران

آب، برق، زندگی حق مسلم ماست!، صفحه ۲

توپ تانک فشفشه، پیمانکار باید حذف بشه



راهپیمایی بیش از ۳۰۰۰ کارگر ارکان ثالث و تجمع کارگران رسمی نفت صفحه ۱۲

حکومت جنایتکار عامل مرگ احمد بالدی است! شهلا دانشفر، صفحه ۶

مراسم خاکسپاری منصور کریمی، جلوه ای از نفوذ عمیق چپ در کردستان - مهران محبی صفحه ۳

قدرت چپ و پریشان بافی یک مدافع سرمایه - یاشار سهندي صفحه ۴

تجمع و راهپیمایی پرستاران قائم مشهد، اعضای تعاونی ناقدیس صفحه ۸

ادامه تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت و دو خبر دیگر صفحه ۱۰

تجمع بزرگ بازنشستگان در کرمانشاه، ادامه کارزار سه شبه های نه به اعدام صفحه ۱۱

دومین روز از تجمع و راهپیمایی پرستاران در مشهد و تجمعات سراسری کارمندان بهزیستی در سراسر کشور صفحه ۱۱

سومین روز از تجمع و راهپیمایی پرستاران در مشهد صفحه ۱۲

تجمع اعتراضی نیروهای حراست میدان نفتی یادآوران غرب کارون و کارگران تازه استخدام پالایشگاه هفتم میدان گازی پارس جنوبی صفحه ۱۲

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر، و بازنشستگان فولاد در اصفهان صفحه ۱۳

میدای اجتماعی

یکماه از بازداشت حسین میربهراری فعال پرتلاش و برجسته حقوق کودکان گذشت

سخنان مادر حسین میربهراری در مورد وضعیت او در زندان، صفحه ۱۴

عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش آبان ۹۸ همچنان در زندان است، صفحه ۱۴

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۱۰

۲۶ آبان ۱۴۰۴

۱۷ نوامبر ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

مشهد نگین درخشان

اعتراضات پرستاران

شهلا دانشفر

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که

گذشت صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۷

به حزب

کمونیست کارگری

پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره ابر بحران آب در ایران آب، برق، زندگی حق مسلم ماست!



مردم شریف ایران،

امروز جامعه ما با بحرانی بی سابقه در تاریخ خود روبه‌روست؛ بحرانی که نه تنها زیست بوم و معیشت میلیون‌ها ایرانی را تهدید می‌کند، بلکه موجودیت اجتماعی ما را در معرض نابودی قرار داده است. ابربحران آب در ایران به مرحله‌ای رسیده که شهرهایی چون تهران، اصفهان، مشهد و تبریز در آستانه "روز صفر آبی" قرار گرفته‌اند. سدها خشک، چاه‌ها تهی و سفره‌های زیرزمینی فروپاشیده‌اند. حکومت از تخیله تهران به دلیل کمبود و نبود آب صحبت می‌کند. این وضعیت نه "تقدیر طبیعی" و نه آنطور که متحجرین اسلامی می‌گویند نتیجه "بی‌حجابی زنان" و نه حتی ناشی از تغییرات اقلیمی جهانی، بلکه نتیجه مستقیم بیش از چهار دهه سیاست‌های ویرانگر جمهوری اسلامی است.

در حالی که کشورهای با شرایط اقلیمی سخت‌تر توانسته‌اند منابع آب خود را مدیریت کنند، حاکمان جمهوری اسلامی با تصمیم‌های سودجویانه، فساد ساختاری و بی‌اعتنایی مطلق به زندگی مردم، جامعه را به سوی فاجعه سوق داده‌اند. سد سازی‌های بی‌رویه و سودجویانه بوسیله مافیای آب، انتقال‌های پرهزینه و غیرعلمی آب بین حوضه‌ها، تخریب تالاب‌ها و جنگل‌ها، و استقرار صنایع پرمصرف در مناطق خشک، همه جلوه‌هایی از این سیاست تخریب‌گر است. پشت این پروژه‌ها، "مافیای آب" و شبکه‌ای از پیمانکاران وابسته به نهادهای قدرت نهفته است که همواره اهداف سودجویانه خود را بر تامین نیازهای مردم ترجیح داده‌اند.

امروز، خشک‌شدن تالاب‌ها چون گاوخونی، بختگان و دریاچه ارومیه، گسترش ریزگردهای سمی، نابودی کشاورزی سنتی و مهاجرت اجباری روستاییان، چهره واقعی این بحران را نشان می‌دهد. بی‌آبی در ایران امروز یک موضوع فنی نیست، بلکه مسئله‌ای سیاسی و اجتماعی است که ریشه در ماهیت نظام فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی دارد. رژیم‌هایی که میلیاردها دلار صرف دم و دستگاه مذهب، پروژه‌های هسته‌ای و موشکی و بطور کلی صنایع نظامی، نیروهای تروریست نیابتی و سرکوب مردم می‌کند، اما در تأمین آب و برق و هوای سالم برای شهروندان عاجز است.

حزب کمونیست کارگری با تأکید بر مسئولیت مستقیم جمهوری اسلامی در ایجاد این فاجعه بزرگ، خواستار اقدام فوری و قاطع برای نجات آب و زندگی مردم است. ما بر این باوریم که تا زمانی که جمهوری اسلامی و مافیای قدرت و ثروت بر سرنوشته منابع کشور حاکم است، هیچ برنامه پایداری برای احیای محیط‌زیست ممکن نخواهد بود.

ما اعلام می‌داریم:

همه مقام‌ها و نهادهایی که در تخریب محیط زیست و ایجاد بحران بی‌آبی نقش داشته‌اند باید در برابر مردم پاسخگو باشند و مورد پیگرد قضایی قرار گیرند.

دست مافیای آب باید از منابع آبی کشور کوتاه شود. پروژه‌های سدسازی، انتقال آب و صنایع آب‌بر باید تحت نظارت نهادهای مردمی و کارشناسان مستقل بازرسی شوند.

هیچ منبع آبی نباید صرف تأمین منافع باندهای حکومتی شود. آب، برق و هوای

سالم حق مسلم همه شهروندان است.

پروژه‌های مرتبط با شیرین‌سازی آب باید به سرعت گسترش یابند و بودجه لازم برای آن‌ها اختصاص داده شود.

نوسازی شبکه‌های فرسوده آب شهری، توسعه سامانه‌های آبیاری نوین، و گسترش تصفیه و بازیافت آب برای مصارف کشاورزی و صنعتی باید در دستور فوری قرار گیرد.

کلیه هزینه‌هایی که صرف دم و دستگاه مذهب، پروژه‌های هسته‌ای و موشکی و بطور کلی صنایع نظامی، نیروهای تروریست نیابتی و سرکوب مردم می‌شود باید تماماً قطع شده و صرف رفع نیازهای مردم از جمله حل بحران آب شود.

توزیع منابع آبی باید بر پایه نیاز واقعی مردم و ظرفیت اکولوژیکی مناطق انجام گیرد، نه براساس منافع مافیای آب و اولویت‌های نهادهای نظامی.

نجات محیط‌زیست بدون آگاهی، مشارکت و نظارت مردم ممکن نیست. همه شهروندان باید در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی سهم داشته باشند.

ما همه شما مردم شریف ایران را فرامی‌خوانیم که با صدای واحد و اراده‌ای مشترک، خواست خود را برای زندگی و غنی کردن زندگی با صدای بلند به فریاد تبدیل کنید. شعار ما روشن است:

"آب، برق، زندگی حق مسلم ماست!"

رژیمی که نمی‌تواند نیازهای اولیه مردم را تأمین کند، باید گورش را گم کند و برود. آینده جامعه را مردمی رقم می‌زنند که از همین امروز، و پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، برای حق زندگی، بهبود آن، و برقراری عدالت زیست‌محیطی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

ما باور داریم که با برچیدن نظام فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با حکومتی مردمی، شفاف و پاسخگو، می‌توان بر بحران زیست‌محیطی غلبه کرد و امید، آبادانی و نیک‌بختی را به جامعه بازگرداند.

بیاید دست در دست هم، برای نجات آب، برای نجات زندگی، و برای آنچه حق مسلم انسانی ماست، برخیزیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آبان ۱۴۰۴ - ۱۲ نوامبر ۲۰۲۵

آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست

مراسم خاکسپاری منصور کریمی، جلوه ای از نفوذ عمیق چپ در کردستان - مهران محبی



انترناسیونال و ترجمه و تفسیر سوسیالیسم و رساندن پیام پیوستن مردم کردستان و همه مردم ایران به چپ و سوسیالیسم تبدیل کردند. اعلام کردند که راهی جز انتخاب چپ برای رهائی از ناهنجاری و تبعیض و نابرابری و رهائی از فقر و درماندگی اقتصادی نیست و باید برای رسیدن به دنیای انسانی، انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را به سرانجام رساند و بر آوارهای نظام پوسیده جمهوری اسلامی مدافع عقب مانده ترین ایدئولوژی سیستم سرمایه داری دنیای خود را بنا نهاد.

اگرچه این حضور باشکوه به بهانه درگذشت تأسف بار منصور عزیز بود که خود در زمان حیات اش در ساختن فضای سیاسی و مبارزاتی مردم سنندج نقش ایفا کرده بود، اما نشانگر اقبال وسیع جامعه به چپ است. این اقبال به چپ منحصر به کردستان نیست، ولی در کردستان و در شهری مانند سنندج آشکارتر و واضح تر است. اگر در شهر سنندج پیکر منصور کریمی چهره کمونیست و محبوب مردم با خواندن سرود انترناسیونال بدرقه می شود، در شهر الیگودرز پیکر امید سرلک که توسط آدمکشان اسلامی به قتل رسید، برخلاف انتظار طرفداران سلطنت که انتظار داشتند شعارهای ناسیونالیستی خاک و پرچم و شاهپرستی داه شود، با شعارهای "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر دیکتاتور" بدرقه می شود.

این اوضاعی است که بر فضای سیاسی کلی ایران امروز از زمان قتل ژینا امینی و شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" حاکم شده و هر چه به پیش می رود رادیکال تر و چپ تر می شود. مردمی که در مراسم خاکسپاری امید سرلک شعارهای علیه خامنه ای و دیکتاتوری سر دادند، علیه نماد حکومتی شعار دادند که دارای دستگاه های امنیتی، قضائی و ماشین عظیم و پیچیده کشتار و ترور مردم است که هر دم در جامعه قتل و جنایت می کنند. آن مردم خواهان سرنگونی حکومت و برچیده شدن همه ساختار حکومتی و دم و دستگاه سرکوبگری و آدمکشی اش هستند که با خواست و انتظارات جریانات و اپوزیسیون راست و سلطنت طلب در تناقض است و از اینرو چپ هستند. مطمئناً آنچه در آن مراسم اتفاق افتاد تصادفی نبود، بلکه نشانی از یک سازمانیابی را در خود داشت که اثری از قوم پرستی و ناسیونالیسم و طرفداری از شاه و پرچم شیرو خورشید نشان را با خود همراه نداشت.

با این اوصاف به نظر می رسد جامعه به طور عمومی و کلی انتخاب خود را برای شیوه سرنگونی جمهوری اسلامی کرده و دارد انتظارات خود را برای استقرار حکومت آینده روی میز می گذارد و کردستان همیشه انقلابی پیشتاز این روند است.

منصور کریمی فعال کارگری و اجتماعی و چهره محبوب در میان کارگران و آزادیخواهان و برابری طلبان شهرهای کردستان متأسفانه روز ۲۰ آبان بعد از یک هفته دست و پنجه نرم کردن با مرگ در بیمارستان توحید سنندج جان اش را از دست داد. در مورد بیماری منصور کریمی و دلایل مرگ او به حد کافی از زمان مرگ اش تا حالا به شیوه های گوناگون مانند سخنرانی ها در مراسم خاکسپاری و پیام ها و نوشته هایی در گرامیداشت این فعال کارگری و اجتماعی که در رسانه های اجتماعی انتشار یافته اند، اطلاع رسانی شده و من نیازی نمی بینم که در این رابطه چیزی بنویسم. اما لازم است در مورد جایگاه و نفوذ ریشه ای اجتماعی و سیاسی چپ و سوسیالیسم در کردستان که در مراسمات مربوط به درگذشت منصور کریمی تنها مختصری از آن نمایان شد با دقت بیشتری گفته و نوشته شود. شهر سنندج که به خاطر سابقه طولانی و درخشان مردم اش در همبستگی و مقاومت در برابر ارتجاع تازه به دوران رسیده و جان فشانی های انسان هائی که در راه دفاع از آزادی و برابری و فائق شدن جامعه بر سرنوشت خود، خونشان سنگفرش های خیابان های شهر را به رنگ سرخ در آورد و به سنندج سرخ معروف شد، با مرگ منصور کریمی یکبار دیگر صحنه تبلور عواطف آغشته به احساس مسؤلیت مردمی شد که تاریخ مبارزاتی خونینی طی ۴۶ سال گذشته را با خود دارند و امروز در آستانه سرنگونی جمهوری اسلامی و در حالیکه جریانات راست ارتجاعی ای مانند سلطنت طلبان با نمایش های پرچم چرخوانی های دو سه نفره سعی در آلترناتیو سازی حول ارزش های قومی و ناسیونالیستی دارند، ارزش های چپ و آرمان های رهائی بخش سوسیالیستی را نمایان کردند و فریاد زدند.

پیکر منصور کریمی بر دوش رفقا و هم فکران و هم سرنوشتان اش پیشاپیش بیش از هزار نفر از مردم شهر سنندج تا محل دفن تشیع شد و با سرود همبستگی جهانی کارگران، سرود انترناسیونال و به احتزاز در آمدن صدها شاخه گل سرخ (نماد مقاومت و ایستادگی و جانفشانی در راه آزادی و برابری و نماد سوسیالیسم) به خاک سپرده شد. بی گمان اگر مجال بیشتری برای آگاهی یافتن مردم شهر سنندج و شهرهای دیگر کردستان از مرگ نا بهنگام منصور کریمی قبل از خاکسپاری داده می شد، شمار شرکت کنندگان در مراسم خاکسپاری بسیار بیشتر می شد.

اما حضور همان جمعیتی که اطلاع یافته بودند و توانستند در مراسم خاکسپاری ای با آن ویژگی چپ و سوسیالیستی شرکت کنند، کافی بود که نشان دهد جامعه خواهان چه دنیائی است و رسیدن به دنیای آرزوی اش را به چه سیستم فکری و باوری و به چه نیروی سیاسی ای گره زده است. منصور محبوب مردم بود و بی تردید محبوبیت اش به خاطر نوع نگاه او به دنیای پیرامون بود که روابط اش با انسان های دور و بر را خارج از چهارچوب مناسبات و ارزش های زمخت نظام نابرابر ایجاد کرده بود. او احساسات و عواطف خود را با باورهای سوسیالیستی اش نسبت به انسان ها عمیق کرده بود و همین باعث محبوبیت ویژه اش در میان مردم شده بود و آن حضور سرخ پاسخ درخور و شایسته مردم تشنه آزادی و برابری و در تلاش برای برچیدن نظام مبتنی بر تبعیض و نابرابری به کسی بود که سال ها در میان شان و در صف اول مبارزاتشان برای تحقق آرزوهای شان تلاش کرده بود.

حضور وسیع مردم در مراسمات مربوط به درگذشت منصور کریمی، تجمعاتی صرفاً عاطفی و احساسی و تنها برای ادای احترام به یک انسان از دست رفته نبود. آن حضور باشکوه، تجلی تجدید پیمانی علنی و میدانی با آرمان های انسانی و آزادیخواهانه بود. مردم محل دفن منصور را به صحنه سر دادن سرود سرخ

قدرت چپ و پریشان بافی یک مدافع سرمایه - یاشار سهندی

در یک خط بگویم که این کتاب، بنا به روایت جناب تدینی تحقیقی در مورد "تبار شناسی" فاشیسم است که نهایتاً می‌خواهد ثابت کند فاشیسم کپی ای از روی دست کمونیسم است! در یکی طبقه مهم است و در دیگری نژاد. اینکه هر دو دشمن نظام لیبرالی سرمایه داری هستند. یکی می‌خواهد آنرا زیر و رو کند و دیگری می‌خواهد شر کمونیست‌ها را کم کند، که نظام لیبرالی در آن عاجز است.

این جناب تدینی سخت به مکانیسم بازار معتقد است و لیبرال بودن را مهمترین افتخار میدانند. ایشان تاکید دارد باید خجالت نکشید و با صراحت از این دو دفاع کرد. و این خجالت کشیدن را هم نتیجه پروپاگاندا کمونیست‌ها میدانند. بهرحال به زبان بی زبانی دارد بر قدرت اجتماعی چپ و کمونیسم اعتراف میکند.

برای دفاع از بازار، یعنی استثمار بی حد و حصر طبقه کارگر، هیچ راهی نیست جز سفسطه‌گری. ایشان که غوره نخورده مویز شده، در یادداشتی در کانال تلگرامی خود که در سایت گویا منتشر شده است چپ را متهم به دستاوردزدی میکند.

ایشان با ذکر یک مثال می‌خواهد خواننده را متقاعد کند که چپ‌ها دستاوردهایی که ثمره کارکرد سرمایه داری است به اسم خود جا میزنند!

مثال ایشان را عیناً اینجا ذکر میکنیم: "کشتزار و باغی هست، و باغبان دانا و زحمتکشی که به این زمین طبق اصول درست کشاورزی و باغبانی رسیدگی می‌کند و درختانی پر میوه عمل می‌آورد. فصل محصول فرامی‌رسد... عده‌ای پای درخت‌ها می‌روند و شروع می‌کنند به تکان دادن درختان. سیب‌های رسیده و شیرین می‌ریزد پای درختان. در اینجا اون کسانی که درخت رو تکان دادند تا سیب‌ها بریزه، سبدها رو پر می‌کنن و سیب‌ها رو بین مردم تقسیم می‌کنند و جوری رفتار می‌کنند که انگار این سیب محصول اراده، عمل و اندیشه خود اون‌ها بوده! جوری رفتار می‌کنند که انگار خودشون بودند که این سیب رو عمل آوردند! مردم قدردان هم فکر می‌کنند اینها چه دلاوران مردمدار و پرمهری‌اند."

اگر شما معترض شوی که محصول آن درخت سبب نتیجه کار کسانی بوده نه "باغبان دانا و زحمتکش" (اسم رمز سرمایه دار) از آنجا که در عین سفسطه‌گری ایشان آدم منصفی است یاد آور میشوند:

"بله، کارگران در این سیستم فعالند. اما (این اما خیلی مهم است، اما) نیروی کار «یکی از اجزای این سیستم» توجه کنید فقط یکی از اجزاست) و (اینجا یک اما جا انداختند؛ اما) کارایی این سیستم فقط منوط به یکی از اجزای سازنده‌اش نیست؛ (یعنی بود و نبود) «نیروی کار» (همچنین مهم نیست!) بلکه این یک ماشین تولید که یک سرش مواد اولیه‌ست و سر دیگرش بازاره و این وسط مجموعه‌ای از عوامل تولید وجود داره. حتی خود کارآفرین (منظور همان باغبان دانا و زحمتکش) فقط یکی از عوامل تولید. (چقدر فروتن! و از اینجا به بعد را خوب دقت کنید:) سود تولید بین این عوامل تقسیم می‌شه - و بله، قطعاً کارآفرین نسبت به تک‌تک کارگران درآمد خیلی بیشتری داره، (یعنی حقش!) اما نسبت به جمع کارگران، نه. (همین هفته پیش در خبرها داشتیم شرکت خودرو سازی تسلا برای ایلان ماسک یک تریلیون دلار پاداش در نظر گرفته است. ممکن است جناب تدینی جمع و تفریق کنند این معادل درآمد چند کارگر در چند سال است؟) حالا آیا ما از اینکه کارآفرین درآمد بالاتری داره، ناراحتیم؟ می‌تونیم ناراحت باشیم، (عقله ای و حسود هستیم دیگه!) اما اینکه این ناراحتی چقدر می‌تونه برای خود ما و جامعه زیانبار باشه، (اتهام همیشگی حکومت‌های سرکوبگر علیه کمونیست‌ها: "یک مشت آدم ناراحت که برای خودشان و ما دردرس درست میکنند!) بحث مفصلیه که در این نوشته نمی‌گنجه."

بی بی سی به مناسبت دویستمین سالگرد تولد کارل مارکس یادداشتی تامل برانگیز با عنوان "کارهایی که کارل مارکس برایمان کرده و قدرش را نمی‌دانیم" در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد. در این یادداشت در همان ابتدا نویسنده آن تاکید میکند: "اگر شما جزو کسانی هستید که فکر می‌کنند کارل مارکس هیچ کاری برایشان نکرده، بد نیست در افکارتان بازنگری کنید و برای جشن گرفتن دویستمین سالگرد تولد این فیلسوف آماده شوید."

خواننده حوصله کند! نمی‌خواهیم به تولد و زندگی کارل مارکس بپردازیم! موضوع بر سر اتهام "دستاوردزدی" چپ از نتیجه کارکرد سرمایه داری است، که به آن خواهیم رسید.

مارکس در این یادداشت به عنوان یک فیلسوف و اقتصاددان معرفی نمی‌شود از او به عنوان یک "کنشگر" یاد میشود که همه چیزهایی که امروزه در اختیار ماست، که خیلی بدیهی می‌نماید مانند: مدرسه رفتن کودکان، اوقات فراغت، رضایت شغلی تا تاکید بر عامل تغییر بودن مردم، و هشدار در مورد رابطه دولتها با تجار بزرگ و اینکه حواسمان باید به رسانه‌ها باشد که همه چیز را وارونه نشان میدهند، همه را مادیون مارکس هستیم.

این بحث‌ها که ممکن است برای ما بصورت روزمره درآمده باشد و هر کدام به گوشه ای از آن بپردازیم اما همه اینها نتیجه کنش کارل مارکس بود و به طبع آن کمونیست‌ها، که به قول مارکس ماتریالیست‌ها اهل عمل هستند، ممکن شده است. بحثهایی متکی بر جنبش طبقه معینی در جامعه یعنی جنبش کمونیستی طبقه کارگر.

بدون هیچ اغراقی همه دستاوردهای رفاهی و اجتماعی جوامع کنونی نتیجه جنبش مبارزاتی طبقه کارگر بوده است. از تعیین ساعت کار معین در هفته، تا تعطیلی دو روز آخر هفته، تا تشکلهای صنفی، تا مرخصی کاری، حق سفر، حق رای و ... تا مبارزه برای آزادی بی قید و شرط سیاسی و آزادی بیان؛ تا هنر آوانگارد و پیشرو... اکنون حتی آن خواسته‌هایی که لیبرالی تعریف میشد و منجر به انقلاب کبیر فرانسه گردید را نیز کمونیست‌ها باید پیگیری کنند و به بورژوازی یادآوری کنند که برای این خواسته‌ها جنگ شده و خون‌ها ریخته شده. و اکنون خود تو آنها را لگد مال میکنی.

در زمانه ما بورژوازی در پی توسعه "بازار محور" حتی حیات کنونی روی زمین را با تهدید جدی روبرو کرده است. و با اینکه بارها در این مورد جلسه می‌گذارند اما بخاطر کسب سود مبتنی بر اقتصاد بازار، روز بروز این تهدید بزرگتر و بزرگتر میشود.

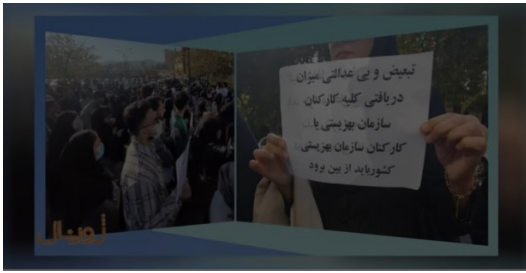
همین امروز در ایران داریم تجربه میکنیم که سرمایه اسلامی شده و حریص و غارتگر چگونه مسبب گسترش خشکسالی در سراسر ایران شده است. و دست بردار هم نیست. همین روزها باز دارند سد میسازند، در وسط کویر در شهر قانات استان خراسان، کارخانه فولاد سازی ساخته اند و آنرا دارند توسعه هم میدهند و این یعنی نابودی کامل منابع آبی این منطقه. بلایی که سر اصفهان و زاینده رود و خوزستان بواسطه سد سازی و گسترش بی حد و حصر صنایع و کشاورزی که هیچگونه سازگاری با محیط زیست این مناطق ندارد، آوردند.

اما آنچه سبب یادآوری این نکات شد انتشار یادداشتی از سوی بابایی به اسم "مهدی تدینی" است که چپ را به "دستاوردزدی" متهم کرده است!

بد نیست برای آشنایی بیشتر خواننده نگاهی به دستاورد خود ایشان که با عناوینی همچون "پژوهشگر و نویسنده و مترجم" معرفی میشود، بیندازیم.

ایشان در پی این بوده که فاشیسم را بطور علمی توضیح بدهد! به گفته خودش به جایی نمی‌رسیده تا کتاب یک استاد دانشگاهی به نام "ارنست لوتنه" بدستش میرسد و "گم شده" خود را می‌یابد.

مشهد نگین درخشان اعتراضات پرستاران - شهلا دانشفر



قائم، امام رضا، اکبر و ستاد مرکزی علوم پزشکی برگزار شد. در این اعتراضات، پرستاران با راهپیمایی باشکوه و با شعار «پرستار له می‌شود، جیب ستاد پر می‌شود» (بر استعفای مسئولان مافیایی و رانت‌خوار تأکید کردند.

اعتراضات پرستاران در مشهد الگویی برای اعتراضات کادر درمان در سطح سراسری است و باید تکثیر شود. این اعتراضات بازتاب فضای کل جامعه علیه فقر، بی‌تأمینی، تبعیض و چپاول حاکم است.

سطح نازل حقوق‌ها، تعرفه‌های پایین و تبعیض‌آمیز، تعویق پرداختی‌ها، فشار سنگین کاری، استاندارد پایین بهداشت و درمان، و خلف وعده‌ها از مهم‌ترین موضوعات اعتراضات پرستاران در سطح سراسری است و این مسائل مستقیماً به جامعه و وضعیت اسفناک نظام درمانی کشور مربوط می‌شود. از مبارزات پرستاران باید به‌طور گسترده حمایت کنیم.

پرستاران به میدان می‌آیند. در یک ماه اخیر شاهد اعتراضات متوالی آنان در شهرهای مختلفی چون مشهد، یاسوج، کرمانشاه، تبریز، قم، یزد و اهواز بوده‌ایم. نیروهای شرکتی نیز در بیمارستان‌های مختلف استان بوشهر به دلیل مشکلات معیشتی و کاری دست به اعتراض زده‌اند. همچنین بهورزان در اعتراض به حقوق‌های بسیار نازل، به‌صورت سراسری در شهرهای مختلف تجمع داشته‌اند و از جمله در کردستان به مقامات اولتیماتوم داده‌اند که اگر پاسخی دریافت نکنند، از ابتدای آذرماه خانه‌های بهداشت در سطح استان تعطیل خواهند شد و گام نهایی‌شان استعفای دسته‌جمعی خواهد بود.

مشهد نگین درخشان اعتراضات پرستاران و کادر درمان است؛ از آن رو که به لحاظ شیوه‌های اعتراضی، بیان خواست‌ها و اعلام مطالباتشان به جامعه، و جایگاه اجتماعی‌ای که کسب کرده‌اند، قابل توجه و الگویی برای اعتراض پرستاران در تمام شهرها در سطح سراسری است. بیایید نگاهی نزدیک‌تر به اعتراضات آنان داشته باشیم.

دور جدید اعتراضات پرستاران مشهد از ۱۹ آبان آغاز شد و با فریاد «پرستار نباشه، نظام از هم می‌پاشه» (اخطاری محکم به حکومت داد. آنان اعلام کرده‌اند که تا پاسخ نگیرند، به اعتراض ادامه خواهند داد و هر روز در بیمارستانی دست از کار کشیده و تجمع می‌کنند. طی روزهای ۱۹ تا ۲۱ آبان، تجمعات در بیمارستان‌های

قدرت چپ و پریشان بافی ...

از صفحه ۴

است.

چپ حضور پر رنگی در کف خیابان دارد. که با شعارهای مشخصی همچون: معیشت و منزلت حق مسلم ماست، غنی سازی حق مسلم ماست، آرامش، آسایش، زندگی حق مسلم ماست...، که اینها اساس جنبش کمونیستی طبقه کارگر و از نقد مارکس بر نظام سرمایه داری منشا می‌گیرد. که این شعارها انعکاسی است از ستمی که سرمایه بر توده زحمتکش جامعه می‌آورد.

کمونیسم در ایران در طی پنج دهه گذشته با نقد جنبش پوپولیستی که خود را کمونیستی معرفی میکرد و نقد دیدگاههای بورژوازی در همه زمینها، با تجربه تازه از تحزب، خود را یک پای دعوای قدرت سیاسی میدانند. گفتمان کمونیسم کارگری را در جنبش‌های اجتماعی میتوان سراغ کرد.

مدافعان سرمایه داری که کتابی منتشر میکنند و یادداشتی مینویسند اگر فکر میکنند میتوانند با این کارها و روشها و با اتهامات سخیف و مسخره جلو این جریان اجتماعی را بگیرند باید بگویم خیلی از مرحله پرتند، خیلی.

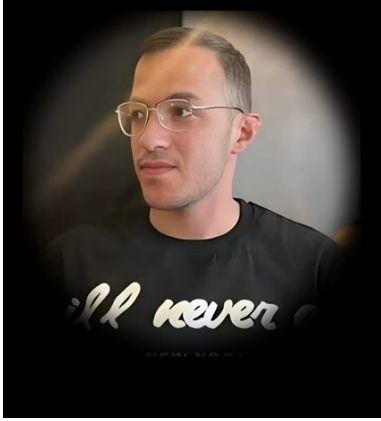
باور ندارند از سازمانهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی پرسند که حتی آن چپی را هم که معجز می‌شمرد، نمی‌تواند تحمل کند، چرا که با توجه به عمق یافتن جنبش‌های اجتماعی زبان آن چپ هم تیزتر و تندتر شده است.

جناب تدینی در سخنرانی‌ای در معرفی همان کتابی که ترجمه کردند نشان داده اند آدمی هستند اهل مزاح و شوخی! و در آنجا با شوخی و خنده هشدار میدهند ما "دچار" مفهوم پریشی "شدیم، چرا که "سرنوشت ما را پروپاگاندای چپ رقم زده!" (باز هم اعترافی به قدرت چپ در جامعه)

مثال باغبان دانا و زحمتکش و محصول درخت سپیش مغلطه جدیدی نیست. منتها ایشان تازه وارد گود شده اند و فکر میکنند خیلی هم دانا هستند. ما کم نشیندیم که ایرانیان بدون مالکیت خصوصی نمی‌توانند زندگی کنند و چهار دیواری اختیاری از همین جا منشا می‌گیرد! گوشمان از این حرفها پر است.

حقیقت این است چپ ستیزی تنها به بازداشت و شکنجه و اعدام توسط جمهوری اسلامی خلاصه نمیشود. سریال ساخته اند که چپ نمی‌فهمد، راست سلطنت طلب از حضور دائمی چپا دانش به آسمان رسیده است. مجلات و یادداشت‌های بسیاری منتشر میکنند که تمام بر سفسطه و تحریف اندیشه چپ و تاریخ چپ در ایران و جهان متکی است و همه اینها بدین خاطر است که قرار گذاشته بودند نسل چپ و مارکسیسم و کمونیسم را در ایران بخشکانند و گویا باید تا حالا خشکیده بود! نمی‌خواهند باور کنند لیبرالیسم و اقتصاد بازار محور که سنگش را بر سینه می‌زنند خود سبب باز تولید اندیشه چپ و مارکسیسم و جنبش کمونیستی میگردد. حالا هر چقدر میخواهند خودشان را خسته کنند، اما واقعیت در کف جامعه چیزی دیگر

غنی سازی زندگی حق مسلم ماست!



حکومت جنایتکار عامل مرگ احمد بالدی است!

شهلا دانشفر

بیستم آبان ماه احمد بالدی دانشجوی بیست ساله اهوازی که در یازدهم آبان در اعتراض به محل کسب خانوادگی اش در منطقه زیتون کارمندی توسط شهرداری دست به خودسوزی زده بود با هفتاد درصد سوختی و پس از چند روز بستری در بیمارستان، متأسفانه جان باخت.

شهرداری اهواز و مقامات حکومتی عامل مستقیم مرگ خالد بالدی هستند. این جنایت موجی از خشم در اهواز و خوزستان علیه جنایتکاران حاکم به پا کرده و بازتابی اجتماعی داشته است. مراسم تشییع احمد بالدی با حضور گسترده‌ی شهروندان و فعالان اجتماعی اهواز صحنه اعتراضی مردمی در اهواز بود و محمد بالدی پدر وی در مراسم خاکسپاری فرزندش گفت: تا وقتی امینی و شمس از اهواز نروند، جنازه پسر مرا تحویل نمی‌گیریم!

پیام گوهر عشقی مادر زنده یاد ستار بهشتی که فرزندش زیر شکنجه‌های جنایتکاران جمهوری اسلامی جان باخت بازتاب اجتماعی این جنایت را نشان می‌دهد. او مینویسد: "احمد بالدی، فرزند رنج و نماد کار و تلاش، دانشجویی که ناش را با دستاوردش درمی‌آورد، اما دکه کوچکش، روزی و امیدش، به‌دست مأموران فاسد و جنایتکار شهرداری اهواز جمع شد. وقتی راهی برای فریاد نماند، آتش را برگزید تا صدایش شنیده شود. احمد نه تنها یک کارگر بود، که نشانه‌ای از تمام جوانانی است که در این سرزمین، زیر بار فقر و بی‌عدالتی، برای حق ساده‌ی زیستن می‌جنگند. من، گوهر عشقی، مادری که سال‌هاست با داغ و درد فرزندان این خاک زندگی می‌کنم، امروز در سوگ احمد می‌گیرم؛ نه تنها برای او، که برای همه آنان که دیده نمی‌شوند. احمد سوخت تا ما خاموش نماییم. او یادآور است که عدالت، نان، و کرامت انسانی حق هر شهروند است. بیاید تا روزی که نان بر سفره کارگر و امید در دل جوان جاری شود، یاد احمد را در دل‌ها زنده نگه داریم. احمد رفت، اما پیامش ماند: تا وقتی انسانی، انسان است، صدای حق‌طلبی خاموش نمی‌شود. به خانواده، دوستان و مردم شریف اهواز تسلیت عرض می‌کنم."

زیر فشار اعتراضات اجتماعی ساعتی پیش از برگزاری تجمع اعتراضی مردمی در محل خودسوزی احمد بالدی، رضا امینی، شهردار اهواز، استعفای خود را اعلام کرد، اما حتی تسلیتی به خانواده داغدار نگفت و در متن استعفایش با وقاحت تمام از "دشمنان معاند" سخن گفت و از وزارت کشور خواست جانشین او را معرفی کند. علاوه بر شهردار اهواز چند مقام شهرداری این شهر از جمله معاون خدمات شهری، شهردار منطقه ۳، معاون منطقه و مسئول اجرائیات شهرداری اهواز برکنار شدند. بعد هم سید محمدرضا موالی‌زاده استاندار خوزستان طی حکمی علی‌بوری را به عنوان سرپرست فرمانداری اهواز منصوب کرد. این استعفا و برکناری‌ها و جابجایی‌ها یکی از هزاران پیش‌لرزه دادخواهی مردم در برابر این جنایت است.

مردم میگویند: "استعفا کافی نیست؛ باید عاملان مستقیم و پشت‌پرده تخریب، و مرگ احمد بالدی محاکمه شوند." مردم خواستار عذرخواهی مقامات بلندپایه رژیم از خانواده بالدی و پرداخت غرامت برای تمامی خسارات مادی و معنوی وارده به آنها هستند. بعلاوه مردم خواستار خاتمه یافتن برخوردهای وحشیانه مأموران شهرداری با صاحبان مشاغل، دست‌فروش‌ها و دکه‌داران و کوتاه کردن دست اراذل و اوباش شهرداری از زندگی و کسب و کار خود هستند.

خشمی که منجر به خودسوزی و مرگ احمد بالدی شد، خشم و اعتراض نهفته

همه مردم است که هر روزه کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی را به چالش میکشد. بنا بر خبرها روز بیست و یکم آبان نیز دکه‌داران و کیوسداران بوشهری در اعتراض به تصمیم شهرداری برای تخلیه اجباری و افزایش اجاره‌ها، با فریاد "چیزی برای از دست دادن نداریم؛ این تنها راه نان‌درآوردن ماست" مقابل استانداری بوشهر تجمع کردند. بر اساس گزارشات، شهرداری با فشار بر برخی دکه‌داران، قصد دارد این مکان‌ها را تخلیه و با اجاره‌های سنگین‌تر واگذار کند. در این تجمع، دکه‌داران که بنری با تصویر احمد بالدی در دست داشتند، اعتراض خود را فریاد زدند.

مرگ احمد بالدی جنایتی فراموش‌نشده‌ی

ماجرای این قرار بود که روز یکشنبه ۱۱ آبان‌ماه نیروهای شهرداری منطقه ۳ اهواز به همراه مأموران نیروی انتظامی، وحشیانه اقدام به تخریب دکه پدر وی مجاهد بالدی در پارک زیتون کردند. این دکه که ۲۵ سال سابقه فعالیت با مجوز رسمی داشت، از معدود کسب و کارهای متعلق به شهروندان عرب در منطقه به‌شمار می‌رفت. در پی این حمله ددمشانه در حالی که همسر مجاهد بالدی در داخل دکه بود که فرزندشان احمدبالدی به خشم در آمد و در برابر چشمان مأموران با بنزین اقدام به خودسوزی کرد. مجاهد بالدی، پدر احمد در ارتباط با این فاجعه انسانی گفت: "۲۱ سال است که از این اغذیه‌فروشی نان می‌خوریم. شش فرزند دارم که دو نفرشان دانشجو هستند و سه دخترم در رشته تکنولوژی فعالیت دارند. با همین درآمد محدود، فرزندانم را سالم و موفق بزرگ کرده‌ام. روز حادثه احمد پس از پایان کلاس دانشگاه، طبق معمول برای کمک به محل کارم آمد. وقتی دیر کرد، همسرم نگران شد و به سمت پارک زیتون رفت. آنجا با صحنه درگیری احمد و مأموران اجرائیات شهرداری روبه‌رو شد. پسرم وقتی دید نیروهای اجرائیات در حال تخریب محل هستند، التماس کرد که صبر کنند، اما کسی گوش نکرد. احمد گفت اگر ادامه دهند، خودش را آتش می‌زند تا شاید مانع شوند. در پاسخ، یکی از مأموران گفت: «بسوزان ببینم چطوری می‌سوزی!» بعد از آن شیشه‌های محل را شکستند و درگیری بالا گرفت."

میساء خواهر کوچک‌تر احمد نیز که شاهد ماجرا و بازداشت مادرش بوده‌است میگوید: "مادرم فریاد می‌زد اما مأمور شهرداری دست او را کشید و با خودش برد، آنها مأمور زن همراهشان نداشتند. مادرم به او اصرار کرده و گفته بود که تا حالا بازداشت نشدم و پایم به کلانتری و دادگاه باز نشده، آنها هم نزدیک خانه فامیل‌هایمان پیاده‌اش کردند. پدر و مادرم حال خوبی ندارند و مادرم بیمار شده‌است."

جان باختن دلخراش احمد بالدی را به خانواده و دوستانش و به همه مردم تسلیت می‌گویم. (۲۱ آبان ۱۴۰۴ - ۱۲ نوامبر ۲۰۲۵)

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



از خوزستان خبر میرسد؟

۱۹ - ۲۶ آبان ۱۴۰۴



کمیته سازماندهی - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته - واحد خوزستان، کمیته سازماندهی حزب کمونیست کارگری

دوشنبه ۲۶ آبان:

بازنشستگان مخابرات در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه چپاولگریهای سهامداران عمده این شرکت همچون دوشنبه های گذشته در شهرهای مختلفی از جمله اهواز تجمع داشتند. در اهواز بازنشستگان با فریاد "قط کف خیابان بدست میاد حقمان" بر پیگیری اعتراضاتشان تاکید کردند.

یکشنبه ۲۵ آبان:

بازنشستگان تامین اجتماعی علیه وضع اسفناک معیشتی و پاسخ نگرستن خواستههایشان در چندین شهر از جمله در اهواز و شوش تجمع داشتند. در اهواز بازنشستگان مقابل اداره کل سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند و شعار میدادند: "زندگی تحمیلی، با بیمه تکمیلی"، "تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار"، "ایرانو غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، و "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی".

در شوش بازنشستگان در مقابل درب تامین تجمع داشتند و با فریاد شعارهای "حسین حسین شاعرتون، دروغ و دزدی کارتونا"، "بیمه تحمیلی نمیخوایم، نمیخوایم"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، صدای اعتراضشان را علیه بی تامینی ها و اختلاسگری حاکم بلند کردند.

شنبه ۲۴ آبان:

کارگران رسمی تازه استخدام پالایشگاه هفتم میدان گازی "پارس جنوبی" در اعتراض به میزان کف حقوق و کاهش سطح دریافتی هایشان تجمع کردند. مطالبات فوری کارگران رسمی عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیاتهای مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

طبق گزارش دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز آلودگی هوا در روزهای اخیر در خوزستان مرزهای بحران را رد کرده است. بنا بر خبر مصوبات کارگروه اضطرار آلودگی هوای خوزستان تاکنون ثمری نداشته و کار به جایی رسیده است که مدارس ابتدایی و متوسطه اول در ۲۴ شهرستان تا پایان آبان غیرحضور اعلام شده است. دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در روزهای اخیر زنگ خطر را به صدا درآورده و نسبت به افزایش ۶۶ درصدی مراجعات قلبی و تنفسی ناشی از آلودگی هوا در ۱۸ ماه گذشته هشدار داده که ۷۰ درصد مربوط به کودکان زیر ۱۴ سال و ۵۰ درصد از آنها کودکان زیر ۶ سال هستند.

بنا بر گزارشات منتشر شده دولتی طی یکسال گذشته هزار و ۶۲۴ نفر در اهواز به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست داده اند. آلودگی هوا هر روز از مردم قربانی میگیرد و یک موضوع اعتراض مردمی علیه این آلودگی ها و تخریب محیط زیست است که زندگی و معیشت مردم را به نابودی کشیده است.

جمعه ۲۳ آبان:

حکم اعدام سه زندانی سیاسی در زندان شیپان اهواز به اسامی فرشاد اعتمادی فر، مسعود جامعی و علیرضا مرداسی بعد از ماهها بازداشت، شکنجه و بیماری و محرومیت از درمان تایید و به آنان ابلاغ شد. هم اکنون اجرای حکم آنها را تهدید میکند.

دستور اخیر تسریع ساخت سدهای خرسان ۳، ماندگان و کوه رنگ از سوی مسعود پزشکیان بدون اخذ مجوزهای زیست محیطی، موج گسترده ای از اعتراض کارشناسان، دانشگاهیان و فعالان حوزه محیط زیست را به دنبال داشته است. متخصصان محیط زیست هشدار می دهند اجرای این سدها می تواند اکوسیستم دنا، رودخانه کارون و استان های پایین دست به ویژه خوزستان را با پیامدهای جدی مواجه کند. آسیب به یخچال های دنا، تشدید ریزگردها، کاهش جریان آب کارون و فشار بیشتر بر کشاورزی جنوب کشور از جمله نگرانی های مطرح شده است. سازمان محیط زیست نیز پیشتر اعلام کرده بود که این پروژه ها فاقد امکان دریافت مجوز هستند. این دستور همچنین در درون با نزاعهای حکومتی و مخالفت روبرو شده و محمد بهرامی، نماینده بویراحمند و دنا، این دستور را "غیرقانونی و شتابزده" خواند. او گفته است که اسناد مربوط به تخلفات این پروژه ها را به نهادهای نظارتی ارائه کرده است. این چنین است که مقامات حکومت در جدال و رقابت بر سر چپاول محیط زیست و در هراس از تشدید اعتراضات مردمی به جان هم افتاده اند.

پنجشنبه ۲۲ آبان:

در این روز هوای ۱۶ شهر خوزستان در وضعیت بنفش، قرمز و نارنجی قرار داشت. آلودگی هوا به دلیل تخریب چپاولگرانه محیط زیست گریبانگیر مردم در شهرهای مختلف بویژه در استان خوزستان شده است.

گزارشات از آمار بالای صدمات جانی و مرگ و میر بخاطر بحران آلودگی هوا بسیار بالاست. به گفته محمد امیر، نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی فلرهای گاز شعله ور در خوزستان، ترکیبات شیمیایی حاوی گوگرد، متان و فلزات سنگین سرطانزا تولید می کنند. او آتش سوزی های طولانی هورالعظیم را هم یکی از عوامل بالا رفتن آلاینده های خطرناک در هوای خوزستان و از دلایل افزایش آمار ابتلا به سرطان و بیماری های تنفسی در این استان اعلام کرد.

چهارشنبه ۲۱ آبان:

پیکر احمد بالدی، جوان ۲۰ ساله اهوازی، که در بیست و یکم آبانماه در اعتراض به تخریب دهکده اش در پارک زیتون اهواز، خویش را سوزاند، شبانه به خاک سپرده شد. اما مردم و فعالین اجتماعی در محل دفن او در جاده ی ماهشهر - روستای مدینات بوبالد حضور گسترده ای پیدا کردند. احمد بالدی در سیزدهم آبانماه در اعتراض به رفتار خشونت آمیز مأموران شهرداری اهواز خود را به آتش کشید و پس از چند روز بستری در بیمارستان جان باخت.



سرکوبگرها افزایش داده است. مناطقی چون خوزستان، سیستان و بلوچستان و کردستان آمار بالایی از اعدام را شامل شده است. در مقابل جنبشی قدرتمند علیه اعدامها هر روز قدرتمند تر و گسترده تر به میدان می آید. یک مرکز مهمی سه شبه های نه به اعدام زندانهای خوزستان است.

دوشنبه ۱۹ آبان:

- آلودگی هوا هر روزه قربانی میگیرد. به گفته معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز طی یکسال گذشته در این شهر مرگ یک هزار و ۶۲۴ نفر بر اثر آلودگی هوا به ثبت رسیده است. سیاست های تخریبی زیست محیطی و چپاولگرانه حکومت عامل این آلودگی و نابودی زندگی، معیشت و سلامت مردم شده است. بنا بر اظهارات معاون بهداشت وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۸ هزار و ۹۷۵ مورد مرگ در کشور متناسب به مواجهه با ذرات معلق کمتر از ۵/۲ میکرون در هوا بوده که معادل ۱۶۱ مرگ در روز و حدود ۷ مرگ در هر ساعت است. خوزستان بالاترین آمار از این مرگ و میر را دارد.

- تاکنون سه فعال رسانه‌ای شناخته شده در اهواز به اسامی حسن سلامات، جواد ساعدی و سید صادق آلبوشوکه بدلیل پوشش خبری وضعیت احمد بالدی که به دلیل یورش شهرداری به دکه دستفروشی اش خودکشی کرد، بازداشت شده اند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۶ آبان ۱۴۰۳ - ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵

از خوزستان خبر می‌رسد:...

از صفحه ۸

فشار افکار عمومی و خشم مردم خوزستان در پی این حادثه، سرانجام به استعفای رضا امینی، شهردار اهواز و برکناری چند مقام شهرداری منجر شد. در پیوند با همین پرونده، استانداری خوزستان عبدالعظیم شمشخانی را از سمت خود برکنار کرد و علی بویری را جایگزین وی نمود. این تصمیم پس از آن اعلام شد که پدر احمد بالدی تاکید کرده بود تا زمانی که مقامات مسئول کنار نروند، پیکر فرزندش را برای دفن تحویل نخواهد گرفت؛ موضوعی که نگرانی مقامات از بروز اعتراضات در اهواز را افزایش داد.

عبدالعظیم شمشخانی، برادر علی شمشخانی، در ساختار قدرت خوزستان به سرعت ارتقا یافته بود و از ۲۲ سالگی سمت‌های مهمی مانند نمایندگی دبیر مجمع تشخیص در خوزستان، ریاست اداره تبلیغات اسلامی و مدیریت سازمان زیباسازی اهواز را در اختیار داشت. عبدالعظیم شمشخانی، فرماندار پیشین اهواز، مشاور رهبر جمهوری اسلامی و دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی است.

- در این روز همچون روزهای دیگر هوای ۱۶ شهر در استان خوزستان «خطرناک برای همه گروه‌ها» اعلام شد. آلودگی هوا زندگی و معیشت و کار مردم را مختل کرده است.

سه شنبه ۲۰ آبان:

- کارزار سه شنبه های نه به اعدام نود و سومین هفته خود را در ۵۴ شهر کشور از جمله در زندانهای شیبان اهواز، سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) و زندان بهبهان در خوزستان پشت سر گذاشت. در بیانیه هفتگی این کارزار با اشاره به خیزش آبان ۹۸ و قرار گرفتن در آستانه سومین سالگرد آن، یاد جانباختگانی که توسط حکومت به قتل رسیدند گرامی داشته شده و بار دیگر به جنایات هر روزه حکومت و روند گسترده اعدامها هشدار میدهد.

- بامداد سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۴، امیدقلانی در زندان سپیدار اهواز اعدام شد. اتهام وی قتل عنوان شده است. اعدام ابزار دست حکومت برای سرکوب جامعه است. حکومت اسلامی در هراس از برآمد قدرتمند تر انقلاب بر شمار اعدام ها و

تجمع و راهپیمایی پرستاران قائم مشهد، اعضای تعاونی تاقدیس



اعتراض به بلا تکلیفی چندساله و عدم تحویل واحدهای مسکونی خود مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. به گفته معترضین آنها از سال ۱۳۹۸ برای خرید آپارتمان در این پروژه ثبت نام کرده و مبالغ سنگینی پرداخته‌اند، اما پنج سال است هنوز حتی یک واحد ساخته نشده و سپرده های مردم در پروژه های دیگر خرج شده است. مسئولین امر با وعده و وعید آنها را سردوانده و جوابگو نیستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آبان ۱۴۰۴ - ۱۰ نوامبر ۲۰۲۵

امروز نوزدهم آبانماه جمعیت قابل توجهی از پرستاران و کادر درمانی بیمارستان قائم مشهد در اعتراض به خلف وعده ها و مشکلات معیشتی و حقوقهای عقب افتاده خود و فشار سنگین کار دست و به تجمع و راهپیمایی زدند. در این حرکت اعتراضی پرستاران شعار میدادند: "پرستار داد بزن حق تو فریاد بزن"، "پرستار می میرد، ذلت نمی پذیری"، و "مسئول بی کفایت، استعفاء، استعفاء".

سطح نازل حقوقها و تعرفه های پایین، تأخیر در پرداخت مطالبات و فشار سنگین کاری و فرسودگی روزافزون کادر درمان از جمله موضوعات اعتراضات پرستاران در سطح سراسری است.

تجمع اعتراضی اعضای تعاونی مسکن تاقدیس سیرجان روز گذشته هجدهم آبانماه اعضای تعاونی مسکن «تاقدیس (سیرجان در

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۲۶ آبان : امروز بیست و ششم آبانماه بازنشستگان مخابرات در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه چپاولگریهای سهامداران عمده این شرکت در شهرهای مختلفی تجمع و اعتراض داشتند. این تجمعات در این هفته در شهرهایی چون کرمانشاه، همدان، میوان، تبریز، سنندج، اصفهان، شیراز، تهران، بیجار، کرمان، ارومیه، خرم آباد، قزوین، اهواز، بابل، ایلام، رشت برگزار شدند.

اعتراض به تصمیم شهرداری برای تخلیه اجباری و افزایش اجاره‌ها، مقابل استانداری بوشهر تجمع کردند.

چهارشنبه ۲۱ آبان: کارگران ذوب آهن برای روز چهارشنبه ۲۸ آبان ماه به تجمع در مقابل فرمانداری زرین شهر روبروی ساختمان استانداری فراخوان داده اند. این فراخوان در بیانیه‌ای از سوی مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان اعلام شده است. در این بیانیه کارگران ممانعت نیروهای سرکوب حکومت از برگزاری تجمع اعتراضی ای که جهت پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود اعلام کرده بودند و سرکوبگری‌های حکومت را محکوم کرده و از اعتراضات همکاران خود در بخش کک سازی که مورد سرکوب قرار گرفت، حمایت و پشتیبانی کرده اند.

- پرستاران و کادر درمان در مشهد در بیمارستان اکبر در مقابل ستاد مرکزی علوم پزشکی تجمع کرده و با فریاد شعارهای اعتراضی دست به راهپیمایی زدند. در این حرکت اعتراضی پرستاران معترض شعار میدادند: "پرستار نباشه سیستم از هم میپاشه"

- شاهر صفری، آتش نشان ۳۴ ساله و پدر دو کودک، در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماه دستمزد و فشار معیشتی در برابر ساختمان سازمان آتش نشانی سنندج، خود را به آتش کشید. صفری از نیروهای قراردادی شهرداری سنندج بود که چهار سال با قرارداد موقت و حداقل حقوق کار کرده و چهار ماه گذشته حتی همان مزد ناچیزش هم پرداخت نشده است. بنا بر گزارشات او با سی درصد سوختگی در بیمارستان کوثر سنندج در وضعیت وخیمی زیر دستگاه تنفس مصنوعی بستری است.

سه شنبه ۲۰ آبان: بیش از سه هزار نفر کارگر ارکان ثالث و پیمانکاری پالایشگاههای دوازده گانه مجتمع گاز پارس جنوبی در پالایشگاهها دست از کار کشیدند و دومین تجمع اعتراضی خود را برای پیگیری مطالبات خود مقابل پالایشگاه دوم پارس جنوبی، عسلویه بر پا کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران معترض بهمراه خانواده هایشان برای برگزاری تجمع خود از ورودی شرقی مجتمع تا ستاد اداری مجتمع گاز دست به راهپیمایی زدند.

- کارگران رسمی نفت نیز در شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری سکوی ایلام تجمع کردند و جویای خواسته‌های خود شدند.

- بازنشستگان کرمانشاه در مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند و با فریاد شعارهای اعتراضی کوبنده خود صدای اعتراضیشان را بلند کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "اعدام هر یک نفر، نقض حقوق بشر".

- پرستاران و کادر درمان دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای دومین روز و این بار در بیمارستان امام رضا در صفی بزرگ دست به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی زدند.

- ساعت ۹ و نیم صبح کارمندان بهزیستی در سراسر کشور در اعتراض به وضعیت حقوق پایین خود دست به اعتراض زدند.

- کارگران کارخانه فراساحل لیان در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه حقوق و بی پاسخ ماندن خواسته‌هایشان و خلف وعده دست به اعتصاب و تجمع زدند.

- مسعود فرهیخته از فعالین معلم که برای دومین بار از مهر ماه سال جاری از تاریخ ۱۸ آبان به سلول انفرادی منتقل شده بود، به بند عمومی بازگردانده شد. مسعود فرهیخته و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- کارگران رسمی نفت در فلات قاره در منطقه خارک برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. اعتراضات کارگران رسمی نفت سراسری است و در روزهای مختلف جریان دارد.

یکشنبه ۲۵ آبان : بازنشستگان تامین اجتماعی علیه وضع اسفناک معیشتی و پاسخ نگرفتن خواسته‌هایشان در چندین شهر از جمله در اهواز، شوش، قزوین، کرمانشاه، رشت و تهران تجمع داشتند. همزمان بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان تجمع اعتراضی بر پا کردند.

شنبه ۲۴ آبان: کارگران رسمی شاغل در مناطق مختلف عملیاتی جنوب در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواسته‌های خود تجمع کردند. این تجمعات از جمله در پالایشگاههای دوم، سوم، پنجم، ششم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و مدیریت عملیات پارس جنوبی برگزار شدند.

- کارگران شاغل در بخش حراست در میدان نفتی یادآور غرب کارون در اعتراض به بدتر شدن شرایط معیشتی و کاری و بلا تکلیفی شغلی برای چندمین بار با دست کشیدن از کار دست به تجمع زدند.

- کارگران رسمی تازه استخدام پالایشگاه هفتم میدان گازی "پارس جنوبی" در اعتراض به میزان کف حقوق و کاهش سطح دریافتی هایشان تجمع کردند.

جمعه ۲۳ آبان : بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بر اساس گفته لیلیا احمدوند، همسر معلم زندانی مسعود فرهیخته که مدتی قبل بازداشت شده، او نیاز فوری به درمان و دارو دارد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت و محرومیت مسعود فرهیخته خواستار رسیدگی فوری به وضعیت وی شده و اعلام کرده است که مسئولیت هرگونه خطر برای سلامتی این معلم زندانی متوجه مسئولان زندان است.

پنجشنبه ۲۲ آبان: کارگران معدن طلای زره‌شوران تکاب در اعتراض به عدم دریافت مزایا و اداش های مصوب و تبعیض در پرداخت ها در مقابل ساختمان کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند.

- کارگران قند ممسنی نیز در بیست و دوم آبانماه در اعتراض به وضعیت اسفبار شغلی و معوقات مزدی خود با همراه داشتن عکس احمد بالدی فریاد اعتراضشان را بلند کردند. صبح این روز دکه‌داران بوشهری نیز ضمن برافراشتن عکس احمد بالدی در

ادامه تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت و دو خبر دیگر

تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت

امروز بیست و چهارم آبانماه کارگران رسمی شاغل در مناطق مختلف عملیاتی جنوب در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواستهای خود تجمع کردند. این تجمعات از جمله در پالایشگاههای دوم، سوم، پنجم، ششم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و مدیریت عملیات پارس جنوبی برگزار شدند. مطالبات اعلام شده این کارگران عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیاتهای مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

تجمع اعتراضی کارگران معدن زرهشوران

روز پنجشنبه ۲۲ آبان کارگران معدن طلای زرهشوران تکاب امروز در مقابل ساختمان کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران می‌گویند: ماههاست از دریافت مزایا و پاداش‌های مصوب محروم مانده‌اند و در پرداخت حقوق بین کارگران معدن و کارخانه تبعیض آشکار وجود دارد.

مسعود فرهیخته به نظارت پزشکی نیاز دارد

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بر اساس گفته لیلا احمدوند، همسر معلم زندانی مسعود فرهیخته که مدتی قبل بازداشت شده، او نیاز فوری به درمان و دارو دارد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت و محرومیت مسعود فرهیخته خواستار رسیدگی فوری به وضعیت وی شده و اعلام کرده است که مسئولیت هرگونه خطر برای سلامتی این معلم زندانی متوجه مسئولان زندان است. مسعود فرهیخته و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

خود سوزی شاهی صفری کارگر آتش نشانی در اعتراض به ۴ ماه حقوق عقب افتاده

روز چهارشنبه ۲۱ آبان ماه شاهی صفری، آتش نشان ۳۴ ساله و پدر دو کودک، در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماه دستمزد و فشار معیشتی در برابر ساختمان سازمان آتش نشانی سنندج، خود را به آتش کشید. صفری از نیروهای قراردادی



شهرداری سنندج بود که چهار سال با قرارداد موقت و حداقل حقوق کار کرده و چهار ماه گذشته حتی همان مزد ناچیزش هم پرداخت نشده است. بنا بر گزارشات او با سی درصد سوختگی در بیمارستان کوثر سنندج در وضعیت وخیمی زیر دستگاه تنفس مصنوعی بستری است. این دومین خودسوزی است که علیه فقر و فلاکت حاکم روی میدهد و قلب همه را به درد آورده و موجی از اعتراض را شکل داده است. یک موضوع فراخوان بازنشستگان تامین اجتماعی به تجمع یکشنبه اعتراضی خود، اعتراض به این بساط فقر و فلاکت و فشار معیشتی و همدردی با خانواده احمد بالدی فرزند دکه داری است که در اعتراض به تعرض ماموران شهرداری دست به خودسوزی زد و جان باخت.

کارگران قند ممسنی نیز در بیست و دوم آبانماه در اعتراض به وضعیت اسفبار شغلی و معوقات مزدی خود با همراه داشتن عکس احمد بالدی فریاد اعتراضشان را بلند کردند. صبح این روز دکه‌داران بوشهری نیز ضمن برافراشتن عکس احمد بالدی در اعتراض به تصمیم شهرداری برای تخلیه اجباری و افزایش اجاره‌ها، مقابل استانداری بوشهر تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۴ آبان ۱۴۰۴ - ۱۵ نوامبر ۲۰۲۵

و حومه، که در تاریخ ۵ مهر ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود، پس از گذشت سه سال حبس ناعادلانه، به صورت مشروط آزاد شد. آزادی داود رضوی را به اویه خانواده اش و همزمانش در سندیکای واحد تبریک می‌گوییم و بر آزادی بدون قید و شرط او تاکید داریم.

--ژاک پاری و سیسل کوهلر دو شهروند فرانسوی و فعال اتحادیه معلمان در آن کشور بعد از سه سال حبس در ایران آزاد شدند. آنها در اردیبهشت ۱۴۰۱ همراه با تعدادی از فعالین کارگری و معلمان در یک سناریوی مسخره جاسوسی بازداشت شدند. دستگیری سیسل کوره و ژاک پاری نمونه ای از سیاست گروگان گیری حکومت اسلامی در جهت اهداف تروریستی اش بود.

دوشنبه ۱۹ آبان :

- جمعیت قابل توجهی از پرستاران و کادر درمانی بیمارستان قائم مشهد در اعتراض به خلف وعده ها و مشکلات معیشتی و حقوقهای عقب افتاده خود و فشار سنگین کار دست و به تجمع و راهپیمایی زدند.

از صفحه ۹

کارگران در هفته ای که گذشت...

- کارزار «سه شنبه‌های نه به اعدام» در هفته نودوچهارم خود در ۵۴ زندان مختلف با پیوستن بند مردان زندان زاهدان ادامه پیدا کرد. اعضای این کارزار در بیانیه هفتگی خود بر ادامه این کارزار تاکید کرده و از همگان می‌خواهد تا فریاد «نه به اعدام» را به موجی بلند در هر شهر و خیابان تبدیل کنند. همزمان مادر اکبر دانشورکار و خانواده ای وحید بنی عامریان و پویا قبادی که فرزندانشان محکوم به اعدام هستند ضمن اعلام حمایت از این کارگران خواستار لغو کلیه احکام اعدام شدند.

- در شرکت پالایش نفت پارسیان در شهرک صنعتی جنت آباد ایوانکی حریق روی داد که در جریان آن یک کارگر جان خود را از دست داد و سه کارگر مصدوم شدند. جانباختن این کارگر را به خانواده اش و به همکارانش صمیمانه تسلیت می‌گوییم. یکی از موضوعات اعتراض کارگران نفت ناامنی محیط کار است که هر روزه از کارگران قربانی می‌گیرد.

- داود رضوی، عضو هیئت مدیره‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

تجمع بزرگ بازنشستگان در کرمانشاه، ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام



تجمع بازنشستگان در کرمانشاه

امروز بیستم آبانماه بازنشستگان کرمانشاه طبق قراری قبلی درمقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند و با فریاد شعارهای اعتراضی کوبنده خود صدای اعتراضشپان را بلند کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "اعدام هر یک نفر، نقض حقوق بشر"، "ایران پر درآمد چه برسر تو آمد؟"، "دشمن ما همین جاست، دروغ می گن امریکاست"، "نه جنگ میخوایم، نه کشتار رفاه میخوایم ماندگار"، تاحق خودنگیریم/ازپا نمی نشینیم"، "معلم زندانی آزاد/باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد/باید گردد"، "بازنشسته بپاخیز/برای رفع تبعیض"، و "جهانگیر رستمی/ازاد باید گردد".

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر، سرکوب و اعدام و چپاولگریها و جنگ افروزیهای حکومت. از اعتراضات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

ادامه سه شنبه های نه به اعدام

امروز بیستم آبانماه کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» (در هفته نودوچهارم خود در ۵۴ زندان مختلف با پیوستن بند مردان زندان زاهدان ادامه پیدا کرد. در بیانیه هفتگی این کارزار با اشاره به خیزش آبان ۹۸ و قرار گرفتن در آستانه سومین سالگرد آن، یاد جانباختگانی که توسط حکومت به قتل رسیدند گرامی داشته شده و بار دیگر به جنایات هر روزه حکومت و روند گسترده اعدامها هشدار میدهد.

در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "حکومتی که صدای اعتراض را با اعدام و سرکوب می خواهد ساکت کند در این روزهای پر التهاب و خطیر و بحرانی در ایران اعدام را دیوانه وار شدت بخشیده به طوری که از ابتدای آبان ماه سال جاری تاکنون ۱۶۵ تن اعدام شده اند؛ تنها در هفته ی گذشته ۷۲ تن، از جمله یک زن و در روزهای

۱۲ و ۱۳ آبان ماه به تنهایی ۲۹ تن جان خود را با چوبه ی دار از دست داده اند. آمار رسمی نشان می دهد که از آغاز ۱۴۰۴ تاکنون بیش از ۱۳۱۳ اعدام در ایران صورت گرفته است. عددی هولناک که بیانگر عادی سازی مرگ در سایه ی بی عدالتی است. در ادامه اعضای کارزار سه شنبه های نه به اعدام در بیانیه خود بر ادامه این کارزار تاکید کرده و از همگان می خواهد تا فریاد «نه به اعدام» را به موجی بلند در هر شهر و خیابان تبدیل کنند.

در نودوچهارمین هفته کارزار سه شنبه های نه به اعدام، مادر اکبر دانشورکار، زندانی سیاسی محکوم به اعدام، ضمن حمایت از این کارزار خواهان لغو کلیه احکام اعدام شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آبان ۱۴۰۴ - ۱۱ نوامبر ۲۰۲۵

دومین روز از تجمع و راهپیمایی پرستاران در مشهد و تجمعات سراسری کارمندان بهزیستی در سراسر کشور



امروز بیستم آبانمان پرستاران و کادر درمان دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای دومین روز و این بار در بیمارستان امام رضا در صفی بزرگ دست به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی زدند. پرستاران معترض خطاب به مسئولین شعار میدادند: "استعفا، استعفا، استعفا".

اعتراضات پرستاران گسترش می یابد و بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، پس از راهپیمایی کادر درمان دانشگاه علوم پزشکی در بیمارستان قائم، امروز ده ها پرستار و کادر درمان در محوطه بیمارستان امام رضا در مشهد گردهم آمدند. همچنین در روزهای گذشته پرسنل درمان در شهرهای کرمانشاه، یاسوج، مشهد و تبریز، اهواز و سنجندج تجمع و اعتراض داشتند. فضای اعتراض در میان تمام پرستاران بالاست.

سطح نازل حقوقها و فشارهای سنگین کاری، عدم پرداخت رفاهیات وعده داده شده در برخی دانشگاهها، برخوردهای انضباطی با کسانی که تنها خواسته شان دریافت معوقات شان است، و تهدید و تخریب فعالان صنفی که صدای همکارانشان شده اند از جمله موضوعاتی است که به اعتراضات پرستاران شدت داده است.

طبق همین گزارش کادر درمان دانشگاه علوم پزشکی مشهد طی بیانیه ای خواستها و مطالبات این دور از اعتراضات را بیان کرده اند. که رؤس اصلی آنها عبارتند از: ۱. شفاف سازی تعرفه ها و نحوه ی تخصیص کارانه ها با معیارهای روشن و قابل قبول ۲. بازنگری در نظام تعرفه گذاری و پرداختها و برقراری عدالت در

پرداخت تعرفه میان پزشکان و سایر کادر درمان ۳. پرداخت به موقع معوقات و مطالبات مالی ۴. کاهش فشار کار و حذف اضافه کاریهای اجباری و استخدام نیروهای جدید و بالابردن کیفیت درمان ۵. درج فوق العاده خاص با ضریب ۳ در فیش حقوقی و رفع تبعیض ها

اعتراضات پرستاران در مشهد الگویی برای اعتراضات کادر درمان در سطح سراسری است و باید تکثیر شود.

امروز همچنین از ساعت ۹ ونیم صبح کارمندان بهزیستی در سراسر کشور در اعتراض به وضعیت حقوق پایین خود دست به اعتراض زدند. به گفته آنها حقوقی که بهزیستی پرداخت میکند تنها کفایت پنج روز زندگی آنان را میکند. طبق گزارشات میانگین حقوق کارمندان در سازمان بهزیستی حدود صد دلار است. و میانگین حقوق برای همتایان آن ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس ۲۲۰۰ دلار است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آبان ۱۴۰۴ - ۱۱ نوامبر ۲۰۲۵



راهپیمایی بیش از ۳۰۰۰ کارگر ارکان ثالث و تجمع کارگران رسمی نفت

تجمع و راهپیمایی ۳۰۰۰ کارگر ارکان ثالث

امروز بیستم آبانماه بیش از سه هزار نفر کارگر ارکان ثالث و پیمانکاری پالایشگاههای دوازده گانه مجتمع گاز پارس جنوبی در پالایشگاهها دست از کار کشیدند و دومین تجمع اعتراضی خود را برای پیگیری مطالبات خود مقابل پالایشگاه دوم پارس جنوبی، عسلویه بر پا کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران معترض به همراه خانواده هایشان برای برگزاری تجمع خود از ورودی شرقی مجتمع تا ستاد اداری مجتمع گاز دست به راهپیمایی زدند و صحنه پرشوری از اعتراض را شکل دادند. در این حرکت اعتراضی کارگران معترض شعار میدادند: "حق و حقوق شعار ماست، حمایت انتظار ماست"، و "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه".

حذف پیمانکاران مطالبه محوری کارگران ارکان ثالث است که کل بساط مافیایی و چپاولگر حاکم را به چالش می کشد و این مطالبه سراسری در نفت و بخش بزرگی از مراکز کارگری از جمله در مخابرات و توانیر و معادن و خودرو سازیها و در سطح کشور است.

علاوه بر مطالبه حذف پیمانکاران افزایش حقوقها و بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل با رویکرد همسان سازی دستمزدها، اجرای طرح اقماری دو هفته کار/دو هفته استراحت برای نیروهای اداری و پشتیبانی، -ساماندهی وضعیت رانندگان

غیرمالک خودروهای استیجاری، پرداخت هزینه قطع امکانات رفاهی (حق کمپ)، تأمین ایاب و ذهاب هوایی برای کارگران پیمانکاری، و افزایش حقوقها، دیگر مطالبات فوری این کارگران است.

تجمع کارگران رسمی فلات قاره در سیری

در این روز کارگران رسمی نفت نیز در شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری سکوی ایلام تجمع کردند و جویای خواستهای خود شدند. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیاتهای مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۰ آبان ۱۴۰۴- ۱۱ نوامبر ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی نیروهای حراست میدان نفتی یادآوران غرب کارون و کارگران تازه استخدام پالایشگاه هفتم میدان گازی پارس جنوبی

اعتراضات در نفت بخش های مختلف کارگران رسمی و ارکان ثالث را در برگرفته و هر روز دامنه اش به بخش های دیگر این صنعت کلیدی کارگری کشیده شده و به مرکز توجه جامعه تبدیل شده است.

روز گذشته کارگران شاغل در بخش حراست در میدان نفتی یادآوران غرب کارون در اعتراض به بدتر شدن شرایط معیشتی و کاری و بلا تکلیفی شغلی برای چندمین بار با دست کشیدن از کار دست به تجمع زدند. در تجمع این روز کارگران معترض بر دو خواسته فوری خود تاکید کردند. یکی اصلاح فوری پیمان حراست و انتقال بودجه از غیرجاری به جاری در چارچوب برقراری عدالت و همخوانی با رویه جاری سایر میادین غرب کارون، و دیگری ورود پیمان به سامانه ساپنا و تخصیص شناسه یکتا پس از ۱۵ سال انتظار. مطالبه اصلی این کارگران افزایش حقوقها و تغییر وضعیت استخدامی آنها به دائمی است.

در این روز همچنین کارگران رسمی تازه استخدام پالایشگاه هفتم میدان گازی "پارس جنوبی" در اعتراض به میزان کف حقوق و کاهش سطح دریافتی هایشان تجمع کردند. مطالبات فوری کارگران رسمی عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیاتهای مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

گسترش اعتراضات در نفت بازتاب اجتماعی بسیاری داشته است. از جمله بازنشستگان تأمین اجتماعی در تهران در حرکت اعتراضی امروز خود با شعار "درود بر کارگر نفت ما، مبارز دلیر و سرسخت ما" حمایت خود را از اعتراضات گسترده در نفت این مرکز کلیدی کارگری اعلام داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۵ آبان ۱۴۰۴- ۱۶ نوامبر ۲۰۲۵

سومین روز از تجمع و راهپیمایی پرستاران در مشهد

اعتراضات پرستاران در مشهد بصورت پیوسته و سریالی ادامه دارد و این اعتراضات هر روز در بیمارستانی برگزار میشود. امروز بیست و یکم آبانماه پرستاران و کادر درمان در مشهد در بیمارستان اکبر در مقابل ستاد مرکزی علوم پزشکی تجمع کرده و با فریاد شعارهای اعتراضی دست به راهپیمایی زدند. در این حرکت اعتراضی پرستاران معترض شعار میدادند: "پرستار نباشه سیستم از هم میپاشه"، "مسئول بی کفایت استعفا استعفا"، "پرستار له میشه، جیب ستاد پر میشه"، و "تعرفه حق ماست، پولش توی جیب شماست".

پرستاران به سطح نازل حقوقها و فشار سنگین کاری و خلف وعده ها اعتراض دارند. با اعلام عدم امکان اجرای ماده ۱۰۶ قانون خدمات کشوری و پرداخت "فوق العاده خاص" تحت عنوان بار مالی سنگین (حدود ۶۰۰ همت در سال ۱۴۰۴ و ۷۲۰ همت در ۱۴۰۵) پرستاران با خشم بیشتر دور جدیدی از اعتراض را آغاز کرده اند. در حرکت اعتراضی امروز فرماندار خواستار بازگشت پرستاران به کار و صبرتا پرداخت معوقاتشان شد و پرستاران به اعتراض خود ادامه دادند.

پرستاران در مشهد هر روز از یک بیمارستان اعتراض خود را به پیش میرند و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستههایشان به اعتراضات ادامه خواهند داد.

مطالبات اعلام شده پرستاران و کادر درمان عبارتند: ۱. شفاف سازی تعرفه ها و نحوه تخصیص کارانه ها با معیارهای روشن و قابل قبول ۲. بازنگری در نظام تعرفه گذاری و پرداختها و برقراری عدالت در پرداخت تعرفه میان پزشکان و سایر کادر درمان ۳. پرداخت به موقع معوقات و مطالبات مالی ۴. کاهش فشار کار و حذف اضافه کاری اجباری و استخدام نیروهای جدید و بالابردن کیفیت درمان ۵. درج فوق العاده خاص با ضریب ۳ در فیش حقوقی و رفع تبعیض ها.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آبان ۱۴۰۴- ۱۲ نوامبر ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر، و بازنشستگان فولاد در اصفهان



نام "شکاف یک زخم" بود که با فراخوان "همبستگی آغاز کنید"، "عصر، عصر قیام انسان است!"، سخن آخر را گفت.

در قزوین بازنشستگان در مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و با شعار "بازنشسته دادبزن/ حقوق فریاد بزن" بر پیگیری مطالباتشان تاکید کردند.

در اهواز بازنشستگان مقابل اداره کل سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند و شعار میدادند: "زندگی تحمیلی، با بیمه تکمیلی"، "تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار"، "ایران غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، و "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی".

در شوش بازنشستگان در مقابل درب تامین اجتماعی تجمع داشتند و با فریاد شعارهای "حسین حسین شعارتون، دروغ و دزدی کارتون!"، "بیمه تحمیلی نمیخوایم، نمیخوایم"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، صدای اعتراضشان را علیه بی‌تامینی‌ها و اختلاسگری حاکم بلند کردند.

در اصفهان نیز بازنشستگان فولاد همزمان تجمع کرده و با شعار "فولادی داد بزن، حقوق فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. این بازنشستگان همچنین با فریاد "اصلاح طلب، اصولگرا، دشمن بازنشسته‌ها" کل حاکمیت را به چالش کشیدند. خواستهای فوری بازنشستگان تامین اجتماعی عبارتند از: افزایش حقوق به میزانی که پاسخگوی سبب معیشت و بالاتر از خط فقر باشد و افزایش سالانه مستمری‌ها برای تمام سطوح حقوقی، متناسب با نرخ واقعی افزایش هزینه‌های زندگی (تورم)، حذف روش‌های نابرابر افزایش حقوق (پلکانی)، واریز کامل و بی‌تأخیر مابه‌التفاوت افزایش حقوق (معوقات فروردین ماه)، اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی با حقوق بازنشستگان سایر صندوق‌های کشوری و لشکری، و درمان رایگان و با کیفیت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ آبان ۱۴۰۴ - ۱۶ نوامبر ۲۰۲۵

امروز بیست و پنجم آبانماه بازنشستگان تامین اجتماعی علیه وضع اسفناک معیشتی و پاسخ نگرقتن خواسته‌هایشان در چندین شهر از جمله در اهواز، شوش، قزوین، کرمانشاه، رشت و تهران تجمع داشتند. همزمان بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان تجمع اعتراضی بر پا کردند.

در تهران بازنشستگان مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع کرده و با شعارهای اعتراضی خود صدای اعتراضشان را بلند کرده و خواسته‌هایشان را فریاد میزدند. بازنشستگان شعار میدادند: "نه سازش نه تسلیم، ما همه با هم هستیم"، "سازمان سرسپرده حق ماها رو خورده"، "آرامش، آسایش، زندگی، حق مسلم ماست"، "ظلم و ستم فراوان، ما رو کشاند خیابان"، "دلار صد تومانی، حقوق‌ها رو بلعیده"، "نان گران دارو گران، در حسرت یک لقمه نان، درمان رایگان حق مسلم ماست"، "و شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "مسعود فرهیخته آزاد باید گردد".

در این حرکت اعتراضی بازنشستگان با شعار "درود بر کارگر نفت ما، مبارز دلیر و سرسخت ما" حمایت خود را از اعتراضات گسترده در نفت این مرکز کلیدی کارگری اعلام داشتند.

در کرمانشاه بازنشستگان مثل هر هفته تجمع با شکوهی بر پا کردند و با شعارهایی از همین دست صدای اعتراض کل جامعه را نمایندگی کردند. آنها از جمله شعار میدادند: "درمان رایگان/حق مسلم ماست"، "گرانی تورم/دزدی از جیب مردم"، "بازنشسته در رنج/آزاده رو گنجه"، "یه دزدی تحمیلی/بیمه‌های تکمیلی"، و "غنی سازی زندگی/حق مسلم ماست".

در این تجمع اعتراضی یکی از بازنشستگان در سخنرانی پر شور و شوری از خواسته‌های بازنشستگان و امید به آینده برای تغییر سخن گفت. او در سخنان گفت: "درمان رایگان به نحو احسن، به نحوی که در حد کرامت یک بازنشسته است، نه تنها برای ما، بلکه برای همه اقشار مردم باید فراهم شود. اختلاس، رانت، بسه، خسته شدیم. خسته شدیم ولی فریاد میزنیم. ولی امید داریم که بهر حال تغییر باید صورت بگیرد. انسان تحمیلش حد و اندازه ای دارد. غنی سازی زندگی، حق مسلم ماست". و جمعیت با فریاد این شعار با او همداد شدند. در این تجمع سخنران دیگری پیرامون فقر و مشکلات عدیده ای که نباید به آن عادت کرد سخن گفت. او در سخنانش از بیمه درمان برابر و یکسان برای همه مردم سخن گفت. او با اشاره به فقر و نکستی که جامعه را گرفته گفت: "اینها کاری که کرده اند اینست که فقر را عادی کرده اند. اینها کاری کرده اند که بیحقوقی را عادی کرده اند. اینها کاری کرده اند. اینها نباید عادی شود. ما باید بعنوان حقوق انسانی عالیترین حقوقی که متعلق به انسان قرن بیست و یکم است را باید مطالبه کنیم و در نظر بگیریم. به فقر عادت نکنیم. به بیحقوقی عادت نکنیم. به این شرایطی که بر ما تحمیل کرده اند عادت نکنیم."

گوشه زیبای دیگر این تجمع قرائت شعر زیبایی از سوی یکی از بازنشستگان به

مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتل‌ست، فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم (جهت یاهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵-عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

یوتل‌ست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

کانال جدید KANAL

یکماه از بازداشت حسین میربهراری فعال پرتلاش و برجسته حقوق کودکان گذشت

سخنان مادر حسین میربهراری در مورد وضعیت او در زندان



یکماه از بازداشت حسین میربهراری از فعالین پرتلاش و برجسته حقوق کودکان کار و خیابان گذشت و او همچنان در زندان است. در بیست و پنجمین روز بازداشت وی، حسن میربهراری طی تماس تلفنی کوتاهی با خانواده اش از تداوم بازداشت و تعیین وثیقه ۵ میلیارد تومانی خبر داد. در ۱۸ آبان، پیگیری خانواده اش برای گذاشتن وثیقه نتیجه ای نداد و به آنان اعلام شد برای وثیقه گذاری، خودمان اطلاع خواهیم داد.

بیشتر کرد. حسین به چه جرمی بازداشت شده؟ چرا اجازه‌ی تماس و ملاقات ندارد؟ چرا باید انسانی که سال‌ها برای کودکان کار، کودکان محروم از تحصیل و کودکان بی‌پناه تلاش کرده، امروز در بند باشد؟

ما خانواده‌ی میربهراری خواستار آزادی بی‌قید و شرط حسین میربهراری هستیم. او هرگز برای خودش چیزی نخواست؛ تمام زندگی‌اش را برای کودکان گذاشت. «برگرفته از مدیای اجتماعی»

حسین میربهراری باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شویم. تعرض به فعال مدافع حقوق کودک و پلمب کردن در نهاد دفاع از حقوق کودک، نشانه گستاخی حکومت در ستمگری علیه کودکان است. همصدا با مادر و خانواده حسین میربهراری برای آزادی این فعال پر تلاش مدافع حقوق کودک تلاش کنیم و صدای او باشیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۴ آبان ۱۴۰۴

حسین میربهراری پیش‌تر در خرداد ماه سالجاری بازداشت و پس از تحمل ۳۰ روز حبس انفرادی با قرار وثیقه آزاد شده بود و اینک مامورین امنیتی، پرونده واهی جدیدی را علیه او در رابطه با جمعیت کودکان کار و خیابان که مرکز آن در پاسگاه نعمت آباد تهران پلمپ شده است باز کرده اند. مادر حسین میربهراری در رابطه با وضعیت فرزندش مینویسد: «یک ماه گذشت... امروز دقیقاً یک ماه از بازداشت حسین میربهراری، از موسسان جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان می‌گذرد.

یک ماه بی‌خبری، انتظار و دلهره. در این مدت، ما هیچ پاسخ روشنی درباره‌ی علت بازداشت او دریافت نکرده‌ایم. پرونده‌ی حسین ابتدا در دادسرای انقلاب تهران (خیابان معلم) بود و بعد از سه هفته، بدون توضیح، به دادسرای انقلاب پردیس منتقل شد. از آن زمان تاکنون، فقط وعده‌های تکراری داده‌اند و هنوز خبری از نتیجه‌ی بازجویی یا آزادی او نیست. وثیقه‌ی سنگین پنج میلیارد تومانی برایش تعیین کرده‌اند، در حالی که حتی اتهام مشخصی اعلام نشده است. در تماس چندثانیه‌ای اخیرش، گرچه سعی کرد ما را آرام کند، اما صدای گرفته و خسته‌اش نگرانی ما را

عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش آبان ۹۸ همچنان در زندان است



دست داد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر رفع کامل اتهامات و آزادی بی‌قید و شرط تأکید دارد. و تا وقتی او در بازداشت است. ما تا زمان رفع کامل همچنان به تلاش‌های خود برای نجات و آزادی وی ادامه خواهد داد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۴ آبان ۱۴۰۴ - ۱۵ نوامبر ۲۰۲۵

عباس دریس کارگر اداره برق شهر ممکو از توابع ماهشهر از شاهدان کشتار خونین نیزار ماهشهر در جریان اعتراضات آبان ۹۸ است که در هفده آذر آن سال بازداشت و با دو اتهام همچنان در زندان است. او در یکی از پرونده‌هایش به ده سال زندان محکوم گردید و حکم اعدامش نیز به اتهام «محرابه» صادر شد که اکنون خوشبختانه نقض شده است.

در سال‌های گذشته، اعتراضات و کارزارهای بسیاری برای آزادی عباس دریس شکل گرفته است. علی دریس، یکی از سه فرزند او، بارها در پیام‌هایی خطاب به افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی برای نجات جان پدرش درخواست کمک کرده است. همچنین مادر پیر او که نابیناست یک ویدئو منتشر کرد و از همه خواست که کمک کنند تا فرزندش، عباس دریس، اعدام نشود.

پس از بازداشت، جمهوری اسلامی قتل یکی از نیروهای امنیتی خود را به عباس دریس نسبت داد و او را به قصاص محکوم کرد؛ حکمی که وی همواره رد کرده و هرگونه دخالت در این قتل را انکار نموده است. با وجود آن‌که خانواده مقتول او را بخشیده‌اند، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی وی را همچنان به ده سال زندان محکوم کرد.

در دوران حبس عباس دریس، و پس از صدور حکم اعدام، همسرش، کفایه حزباوی، بر اثر فشارهای روحی دچار سکتة مغزی شد و مدتی بعد جان خود را از



گرامی باد یاد جانباختگان آبان ۹۸

صبح جمعه ۲۴ آبان ۹۸ آغاز یک هفته‌ی خونبار و زخمی جانگاہ بر پیکر مردم ایران بود. آبان ادامه دارد.

آبان ادامه دارد!